

حجم معاملات و تأثیر آن در تحلیل تکنیکال

بعد از مشاهده و بکارگیری الگوهای نموداری (Chart Patterns) مختلف، توجه شما به سویی "حجم معامله" جلب می‌شود. بطور خلاصه، حجم عبارت است از تعداد معاملات خرید و فروش که در یک بازه زمانی {مثلاً یک روز کاری} انجام می‌شود. بدلیل اینکه حتی الگوهای معتبر و قابل اطمینان، ممکن است گاهی درست از آب در نیایند، حجم معاملات می‌تواند بعنوان ابزار دیگری برای تشخیص آنچه در بازار اتفاق می‌افتد، و بویژه آنچه در الگوها اتفاق می‌افتد، بکار رود. {یعنی از ابزار حجم معاملات برای تصدیق و یا مردود دانستن الگوهای نموداری مختلف استفاده کنیم}

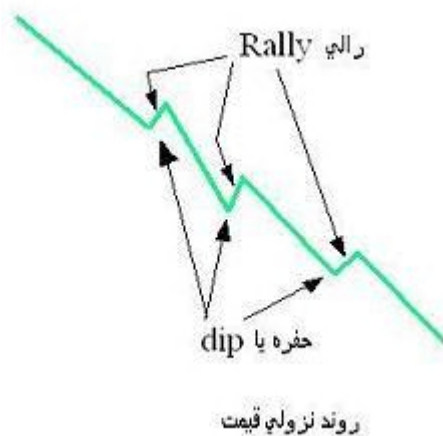
اعتقاد بر این است که **حجم می‌بایست در جهت قیمت افزایش پیدا کند**. اگر روند غالب قیمت به طرف بالاست، حجم می‌بایست در روزهای مثبت سنگین‌تر (بیشتر) و در روزهای منفی سبکتر (کمتر) باشد. این قضیه از نگاه عقل و منطق نیز درست بنظر می‌رسد چون در روند صعودی، تعداد خریداران می‌بایست بیشتر از تعداد فروشندگان باشد و در روند نزولی قیمت، تعداد فروشندگان بیشتر از تعداد خریداران است. اگر زمانی حجم معاملات شروع به کم شدن کند، این می‌تواند خطاری باشد مبنی بر اینکه روند، قوت و رمق خود را از دست می‌دهد و ممکن است بزودی تثبیت قیمت {ایست روند-Consolidation} یا شاید یک الگوی برگشت قیمت {Reversal Pattern} اتفاق بیفتد.

اگر در نمودار قیمت سهمی تابلو روند صعودی قیمت را داشته اید و حالا شاهد حجم معاملات بیشتری روی افت های موضعی قیمت {حفره - Dip} هستید (در مقایسه با حجم معاملات روی قطعات افزایش قیمت-Rally) میتوان این موضوع را زنگ خطری مبنی بر کمزنگ شدن قدرت خریداران و قویتر شدن جناح فروشندگان دانست.

{توضیح: معمولاً به افت های موضعی قیمت (dip) گفته میشود که معمولاً در یک روند صعودی اتفاق می افتد.



به قطعات با شیب مثبت رو به بالا رالی (Rally) گفته میشود. رالی ها معمولاً پس از حفره (dip) ها اتفاق می افتند. رالی ها در روند نزولی کوتاه و در روندهای صعودی بلندترند.



عکس این حالت نیز در روند نزولي قيمت درست است. اگر حجم معاملات روي قطعات نزولي {که در اثر فروش هاي عمده بوجود ميآيند} شروع به کم شدن کند و معاملات بيشتري روي رالي ها اتفاق بيافتد، نشانگر اينست که روند قيمت مورد ترديد واقع شده و خريداران شروع به مطرح کردن نقش خود کرده‌اند. حالي که حجم معاملات در جهت عکس قيمت حرکت مي‌کند، واگرایی (Divergence) ناميده مي‌شود.

اين موضوع يکي از دلایلي است که حجم در زمان ترديد و بي تصميمي بازار تمايل به کم شدن دارد. در مدت حرکت بي جهت (حرکات فرعي - Sideway)، اغلب معامله گران از خريد و فروش خودداري مي‌کنند و ترجيح مي‌دهند منتظر بمانند تا در صورت تشخيص يك روند نزولي براي آينده سهم هر چه زودتر با فروش آن سهم، از آن موقعيت فرار کنند. بغير از اين موضوع که در مواقع بي تصميمي بازار معمولاً حجم معاملات کم مي‌شود، بررسي حجم معاملات در دوران بي‌تصميمي مي‌تواند نشانه هايي از روند آتي قيمت به ما بدهد؛ به اين صورت که با مقايسه قدرت خريداران و فروشندگان {در همان حرکتهاي بي جهت} ميتوان غلبه يك گروه بر ديگري را حدس زد. مشاهده اينکه آيا در روزهاي مثبت حجم سنگين تري وجود دارد يا در روزهاي منفي، مي‌تواند براي موضع گيري در دوره حرکت بي جهت (و يا حتي شکل گيري الگوي آينده) مناسب باشد. ايده اين است که اگر حجم معاملات بيشتري در روزهاي مثبت وجود داشته باشد (نسبت به روزهاي منفي)، احتمالاً خريداران جدي تر هستند و وضعيت محتمل براي آينده بازار يك صعود به سمت بالا است. عکس اين موضوع نیز درست است: اگر حجم در روزهاي منفي سنگين تر است، بازار با احتمال بيشتري به سمت پايين سقوط مي‌کند.

لازم به ذکر است علي رغم اينکه الگوهاي نمودار قيمت، حجم معاملات و کلا آناليز تکنیکال، داراي قابليتهاي پيش بيني هستند، اما هيچکدام مصون از خطا نيستند. استفاده همزمان از اين روشها مي‌تواند کاملاً به سرمايه گذاري و خريد و فروشهاي شما کمک کند، اما در عين حال بايد به مسائل مهم ديگري همچون جهت گيري و قضاوت بازار و نیز توجه کافي داشت.

ترجمه: رضا آقااحمدی

منبع :

www.sarmaye.com

لينک تاپيک اصلي :

<http://forum.sarmaye.com/showthread.php?t=1708>